



Non-Criminal Interventions in Supporting Working Children and Adolescents a Case Study: Shogh Zendige Complex in Mashhad

Hamidreza Daneshnari*¹ Fatemeh Fazeli[†]

Doi:

10.30497/flj.2025.247498.2125



Abstract

Economic exploitation of children and adolescents is a concept that conflicts with the inherent dignity of this vulnerable group. Therefore, the present article has examined the conditions prevailing over child and adolescent victims through the perspective of the crime of economic exploitation within the geographical scope of Mashhad city. Since child laborers are considered the breadwinners of their families, they do not face family prohibitions against working. However, human resources are considered as the most important assets of a country, and attention to their conditions will ultimately lead to improving the situation of society in the future. Mashhad District 5 Prosecutor's Office (Shogh Zendig Complex) is one of the specialized judicial authorities in Mashhad city that handles the affairs of minors and the disabled. The present study has selected ten cases with the theme of economic exploitation of children and adolescents to explain the procedures of the Shogh Zendig Complex in supporting child victims and examined them using the Brown and Clark content analysis method. The findings from the content analysis method in this study show that the cases raised in the Shogh Zendig Complex have four themes of psychological, medical, and economic support. At the same time, creating a personality and clinical file for working children, holding skill workshops appropriate to the children's psychological challenges, holding counseling sessions, providing educational conditions, providing family livelihoods, introducing the families of working children to the relief committee and welfare organization to receive monthly assistance, providing home employment opportunities for mothers of working children and adolescents, requiring them to study or helping them return to school, identifying the talents of working children to identify their interests, and medical care are among the sub-themes that are carried out under the supervision of judicial authorities in four main areas. Overall, with the measures taken in the Shogh Zendig Complex, it was achieved that support interventions for children and their families have led to a reduction in the number of working children and the control of the economic exploitation of children in Mashhad.

Keywords: Children and adolescents, economic exploitation, non-criminal support, Shogh Zeindig Complex.

-
1. (Corresponding author) Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Razavi Khorasan, Iran. daneshnari@um.ac.ir
 2. PhD student in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Razavi Khorasan, Iran. fazeli.fa@mail.um.ac.ir

مداخلات غیر کیفری در حمایت از کودکان و نوجوانان کار؛

مطالعه موردی «مجتمع شوق زندگی» مشهد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

حمیدرضا دانش ناری*^۱

فاطمه فاضلی^۲

Doi: 10.30497/flj.2025.247498.2125

چکیده

بهره‌کشی اقتصادی از کودکان و نوجوانان مفهومی است که با کرامت ذاتی این قشر آسیب‌پذیر در تعارض است؛ از این رو، نگارش حاضر به بررسی شرایط حاکم بر بزه‌دیدگان اطفال و نوجوانان از دریچه جرم‌بهره‌کشی اقتصادی و در دایره جغرافیایی شهر مشهد پرداخته است. از آنجا که کودکان کار، نان‌آوران خانواده خود محسوب می‌شوند، با ممانعت خانواده برای کار کردن مواجه نیستند؛ لکن نیروی انسانی از جمله مهم‌ترین سرمایه‌های کشور محسوب می‌شوند که توجه به شرایط آن‌ها، در نهایت به بهبود وضعیت جامعه در چشم‌اندازهای آینده منتهی می‌شود. دادسرای ناحیه پنج مشهد (مجتمع شوق زندگی) از جمله مراجع تخصصی قضایی در شهر مشهد است که ویژه رسیدگی به امور صغار و محجوران است. پژوهش پیش‌رو جهت تبیین رویه‌های «مجتمع شوق زندگی» در حمایت از کودکان بزه‌دیده، ده پرونده با مضمون بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان را انتخاب، و با روش تحلیل مضمون براون و کلارک بررسی کرده است. یافته‌های حاصل از روش تحلیل مضمون در این پژوهش نشان می‌دهد که پرونده‌های مطرح شده در «مجتمع شوق زندگی» دارای چهار مضمون حمایت‌های روان‌شناسانه و پزشکی و اقتصادی هستند. هم‌زمان، تشکیل پرونده شخصیتی و بالینی برای کودکان کار، برگزاری کارگاه‌های مهارتی متناسب با مشکلات روانی کودکان، برگزاری جلسات مشاوره، فراهم کردن شرایط تحصیلی، تهیه وسایل امرار معاش خانواده، معرفی خانواده کودکان کار به کمیته امداد و سازمان بهزیستی جهت دریافت امدادهای ماهیانه، فراهم کردن زمینه‌های اشتغال خانگی برای مادران کودکان و نوجوانان کار، الزام به تحصیل یا کمک به بازگشت به تحصیل کودکان کار، استعدادیابی کودکان کار به منظور شناسایی علایق آن‌ها و مراقبت‌های درمانی از جمله مضامین فرعی است که زیر نظر مقامات قضایی در چهار حوزه اصلی انجام می‌شود. در مجموع با انجام اقدامات انجام شده در «مجتمع شوق زندگی»، این مهم حاصل شد که مداخلات حمایتی در خصوص کودکان و خانواده آن‌ها به کاهش تعداد کودکان کار و کنترل بهره‌کشی اقتصادی از کودکان در شهر مشهد منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: اطفال و نوجوانان، بهره‌کشی اقتصادی، حمایت غیر کیفری، «مجتمع شوق زندگی».

۱. (نویسنده مسئول) استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، خراسان رضوی، ایران.

daneshnari@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، خراسان رضوی، ایران.

fazeli_fa@mail.um.ac.ir

مقدمه

کودکان و نوجوانان سرمایه‌های بزرگ یک جامعه محسوب می‌شوند و حمایت از آنها در برابر تهدیدات و خطرهای بالقوه و بالفعل از جمله رسالت نظام حقوقی است. هر کودک و نوجوان سرنوشتی پیش‌رو دارد که می‌تواند وضعیت جامعه را متحول سازد؛ از این‌رو، هرگونه آزار و تهدید علیه کودکان آینده یک جامعه و فرهنگ را به خطر می‌اندازد. بهره‌کشی اقتصادی، از جمله مواردی است که سلامت جسم و روان کودکان و نوجوانان را به‌طور جدی تهدید می‌کند. مراد از بهره‌کشی اقتصادی از کودکان و نوجوانان به‌صورت کلی استفاده از ثمره کار کودکان به نفع فردی دیگر است. این کار می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد و آسیب‌های زیادی بر اطفال و نوجوانان وارد سازد. مسئله مهمی که پس از بهره‌کشی اقتصادی از کودکان و نوجوانان وجود دارد، آثار جسمی و روحی ناشی از آن است؛ آثاری که ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها باقی بماند و در صورت عدم توجه و بی‌اهمیتی به آن، بازگشت کودک به وضعیت سابق را با مشکل جدی روبه‌رو سازد. برای جلوگیری از این پیامدهای ناگوار، قلمرو مطالعاتی بزه‌دیده‌شناسی حمایتی به دنبال حمایت‌های مادی و معنوی از بزه‌دیده است و در شرایط گوناگون، انواع مختلف حمایت از بزه‌دیدگان را پیشنهاد می‌کند (توجهی، ۱۳۸۳، ص ۶۱۶).

در معرض خطر قرار گرفتن اطفال و نوجوانان، کاربست اقدامات مبتنی بر پیشگیری رشد‌مدار را بر مبنای شناسایی وضعیت مخاطره‌آمیز و اتخاذ اقدامات حمایتی ضروری می‌نماید. در این مدل پیشگیری، هدف، حمایت از آن دسته از کودکان و نوجوانانی است که در شرایط آسیب‌زا قرار دارند تا از این طریق بتوان عوامل خطر را در خصوص آنها از بین برد و با تقویت اقدامات حمایتی، کودکان و نوجوانان را در مقابل پذیرش و عدم ارتکاب رفتارهای مجرمانه در آینده مقاوم کرد (عباسی، جعفرزاده، و صالحی، ۱۴۰۰، ص ۲۷۵). در این نوع پیشگیری، جامعه و نظام عدالت کیفری، حمایت‌های مالی، عاطفی، حیثیتی، پزشکی و اجتماعی از بزه‌دیدگان و تأمین حقوق و خواسته‌ها و نیازهای آنها را به انجام می‌رساند.

با وجود این، کودکان و نوجوانان به علت شرایط سنی خاص و ویژگی‌های جسمی و روانی از حساس‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های بزه‌دیدگان به شمار می‌روند و به همین دلیل نیازمند حمایت‌های خاصی هستند. تجربه‌های نظام‌های کیفری نشان داده است که یکی از راه‌های مؤثر برای رفع نیازهای متعدد بزه‌دیدگان کودک و نوجوان، ایجاد برنامه‌هایی است که حمایت اجتماعی و روانی و عاطفی و مالی را برای آن‌ها فراهم می‌کند (Centre for International Crime Prevention, 1999, p. 4)؛ البته انجام این اقدامات مستلزم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری است. همچنین نتیجه حاصل از کاربست این نوع از پیشگیری را نمی‌توان همانند راهکارهای پیشگیری وضعی در کوتاه‌مدت مشاهده کرد و مشاهده آثار آن به گذشت زمان نیاز دارد.

در پرتو یافته‌های حاصل از مطالعات پیشگیری رشدمدار، حمایت از اطفال و نوجوانان، مدنظر قانونگذار ایران قرار گرفته است. حمایت از اطفال و نوجوانان کار، مطابق ماده ۱۵ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» در باب بهره‌کشی اقتصادی از کودکان^۱ محدود به حمایت قضایی نیست؛ بلکه در ابعاد مختلفی اعم از اقتصادی و فرهنگی و پزشکی نیز جاری است. اقدامات قضایی، مجموعه اعمالی است که مقامات قضایی انجام می‌دهند؛ برای مثال، اعلام جرم برای کسانی که از کودکان بهره‌کشی اقتصادی می‌کنند و صدور قرارهای تأمینی متناسب با شرایط کودکان. اقدامات دیگری در فرایند رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با این موضوع انجام می‌شود که لزوماً قضایی نیست؛ اما با نظارت مقام قضایی انجام می‌شود. البته می‌توان این‌طور بیان کرد که حمایت قضایی مقدمه‌ای بر حمایت‌های دیگر است؛ برای مثال به‌منظور حمایت اقتصادی از اطفال و نوجوانان، لازم است ابتدا این کودکان تحت نظارت مقام قضایی درآیند و پس از طی مراحل قانونی و تشکیل پرونده قضایی در صورت صلاحدید مقام قضایی،

۱. ماده ۱۵: «هر شخصی برخلاف مقررات قانون کار مرتکب بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان موضوع ماده (۲) این قانون شود، علاوه بر مجازات‌های مذکور در قانون کار، به مجازات حبس درجه ششش قانون مجازات اسلامی نیز محکوم می‌شود.»

معرفی به کمیته امداد و دیگر حمایت‌های اقتصادی آغاز می‌شود.

با توجه به آنکه «مجتمع شوق زندگی»، نخستین مجتمع تخصصی در حوزه بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان و الگوی مناسب در کاربست مفاهیم و آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است، پژوهش حاضر در صدد است تا مداخلات غیر کیفری این مجتمع را در برابر بهره‌کشی اقتصادی از کودکان و نوجوانان بررسی کند. به همین منظور، ده نمونه از پرونده‌های بهره‌کشی اقتصادی به صورت هدفمند انتخاب، و سپس به صورت کامل مطالعه شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که مقامات قضایی در خصوص حمایت از کودکان کار، چه تدابیر غیر کیفری اندیشیده‌اند؟ و راهبردهای حمایت غیر کیفری در چه قالب‌هایی به حمایت از کودکان کار منتهی می‌شود؟ بدین ترتیب در این پژوهش، پس از معرفی اجمالی «مجتمع شوق زندگی» و نمودار فرایند رسیدگی به این موارد، روش‌شناسی تحقیق بیان، و سپس انواع حمایت‌های صورت‌گرفته این مجتمع، در پرونده‌های مدنظر بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش

اونق و همکاران (۱۴۰۲ش) در پژوهش خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی پدیده کودکان کار؛ مورد مطالعه: کودکان کار شهرستان مهرستان (سیستان و بلوچستان)»، با هدف بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در کاهش تعداد کودکان کار در شهرستان مهرستان نگاشته شد. این پژوهش ضمن مصاحبه با صاحب‌ها با کودکان کار در این شهرستان، به عوامل جامعه‌شناختی که موجب کاهش تعداد کودکان کار می‌شود، توجه کرده است. در نهایت، نگارنده بهبود در وضعیت اقتصادی خانوارها و ایجاد شرایط آموزشی و فرزندپروری را از جمله عوامل مؤثر در کاهش تعداد کودکان کار تلقی کرده است.

مرادی بیدهدی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مطالعه تجربه زیسته کودکان کار نسبت به کارشان؛ مطالعه موردی شهر کاشان»، نتیجه گرفت که این کودکان با فرهنگ کارگری رشد می‌کنند و فقر نیز مکانیسمی عقلایی است که نسل به نسل انتقال می‌یابد و براین اساس، فرهنگ فقر، تجربه زندگی فرودستان جامعه است.

شیشه‌گران و حاجی ده‌آبادی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی بزه‌دیده‌شناختی کودکان کار»، ضمن تعریف و بررسی ویژگی‌های کودکان کار، به بررسی عوامل بزهکاری و بزه‌دیدگی در این گروه پرداخته است. در این مقاله انواع پیشگیری از کار کودکان، اعم از پیشگیری وضعی و اجرایی بحث شده است. درنهایت، نویسنده راهکار مقابله با پدیده کار کودکان را همکاری نهادهای دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد و عامل شکست در مقابله با پدیده کودکان کار را عدم هماهنگی ارگان‌های مربوط می‌داند.

ژگان^۱ (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل گفتمان پیرامون موضوع کار کودکان در جنوب جهانی»، به بررسی گفتمان‌های متفاوتی می‌پردازد که درخصوص کار کودکان در آمریکای لاتین وجود دارد. وی نقش عوامل فرهنگی و اقتصادی را در افزایش تعداد کودکان کار مؤثر می‌داند. نویسنده، بالا بردن سطح فرهنگ عمومی و بهبود وضعیت اقتصادی را از جمله عوامل کنترل و کاهش کار کودکان تلقی می‌کند.

چو^۲ و فانگ و تایور و یو (۲۰۱۹)، در پژوهش خود تحت عنوان «مبارزه با کار کودکان: مشوق‌ها و افشای اطلاعات در زنجیره‌های تأمین جهانی»، این چنین توضیح دادند که اگر بازرسی‌های داخلی مقرون به صرفه باشد، یک شرکت جهانی با بازرسی تأمین‌کننده از کار کودک، میزان بروز کار کودکان را کاهش می‌دهد؛ در این صورت، شرکت با اعلام قیمت عمده‌فروشی به اندازه کافی بالا یا هم‌زمان با استفاده از بازرسی‌های داخلی و قیمت عمده‌فروشی متوسط، از استخدام کودکان کار جلوگیری می‌کند. استراتژی دوم زمانی باید اتخاذ شود که اطلاعات خط‌مشی بازرسی شرکت به‌طور معتبر اطلاع‌دانی باشد. این استراتژی زمانی به‌طور مؤثرتر با کار کودکان مبارزه می‌کند که جریمه بالاتری برای به کار گماردن کودکان وضع شود.

ابراهیم^۳، عبدالله، جعفر، عبدالغدير و دی (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان «کار کودک و

-
1. Zsögön
 2. Cho
 3. Ibrahim

سلامت: مروری بر ادبیات سیستماتیک تأثیرات کار کودک بر سلامت کودکان در کشورهای کم‌درآمد و متوسط^۱، این چنین تبیین کردند که کار کودک بر سلامت او تأثیرات نامطلوبی دارد؛ از جمله رشد ضعیف، سوء تغذیه، بروز بیماری‌های عفونی و خاص، اختلالات رفتاری و عاطفی و کاهش کارایی مقابله با آن‌ها.

استراوس^۱ و توماس^۲ (۱۹۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تحصیلات والدین در کار کودکان» نشان داده‌اند که جدا از تأثیر درآمد خانواده، تحصیلات والدین نقش مهم و پایداری در کاهش کار کودکان دارد. همین‌طور نتایج تحقیق نشان می‌دهد اگر والدین کودکان، تحصیل کرده باشند، در درآمدت میزان نیروی انسانی ماهر در جامعه افزایش می‌یابد.

هریک از پژوهش‌های یادشده از منظر خاصی موضوع کودکان کار و حقوق آن‌ها را بررسی کرده‌اند. گروهی به پیامدهای سلامتی کودکان کار توجه کرده‌اند و گروهی آثار جامعه‌شناختی این مسئله را تحلیل، و تأثیر تحصیلات و شرایط فرهنگی و خانوادگی این کودکان را بررسی کرده‌اند. لکن در این پژوهش، مطالعه موردی دادسرای ناحیه پنج مشهد با عنوان «مجتمع شوق زندگی» و مداخلات غیر کیفی درخصوص بهره‌کشی اقتصادی از کودکان کار موشکافی و تحلیل شده است.

مبانی نظری

الف. بهره‌کشی اقتصادی

سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۳، تخمین زده است که در آغاز سال ۲۰۲۰، ۱۶۰ میلیون کودک، شامل ۶۳ میلیون دختر و ۹۷ میلیون پسر در جهان مشغول به کار بوده‌اند که تقریباً برابر با یک کودک از هر ۱۰ کودک در جهان است. ۷۹ میلیون کودک تقریباً نیمی از کودکان کار، درگیر

1. Shtrows

2. Thomas

3. International Labor Organization

۴. آمار منتشرشده در دسترس از سایت: <https://www.ilo.org/topics-and-sectors/child-labour>. آمار منتشرشده

به‌روزترین داده در این زمینه است. این آمار را سازمان جهانی کار، هر چهار سال یک‌بار به‌روز می‌کند که از سال ۲۰۲۴ تاکنون و در زمان نگارش این پژوهش، آمار جدیدتری منتشر نکرده است.

اشکال پرخطر کار کودک بوده‌اند که به‌طور مستقیم سلامت و امنیت و رشد اخلاقی آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. برای، مدیر اجرایی یونیسف بر این باور است که «برای رفع این پدیده خطرناک در جهان نیازمند آن هستیم که رهبری قاطعی از دولت‌ها ببینیم. براساس بررسی‌های پزشکی قانونی غالب کودکان ولگرد خیابانی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند و به‌ناچار تن به هر کاری داده‌اند» (Cho, Fang, Tayur, & Xu, 2019, p.698). در این باره، عنوان بهره‌کشی اقتصادی کودکان ذیل بند (ث) ماده ۱ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» که در تاریخ ۱۳۹۹ به تصویب مجلس رسید، این چنین تعریف و جرم‌انگاری شده است: «به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد». بهره‌کشی^۱ یا استثمار از کودکان، به معنای استفاده از ثمره کار کودک است. بهره‌کشی در نظام‌های اجتماعی و سیاسی اشکال مختلفی به خود می‌گیرد. چنانکه در دوران فنودالیسم، استثمار به معنای برداشت ثمره کار کشاورزان توسط اربابان است و در نظام سرمایه‌داری بهره‌کشی به شکل استخراج ارزش اضافی به دست طبقه سرمایه‌داران صنعتی از طبقه کارگر به ظهور می‌رسد (معصوم بیگی، ۱۳۸۸، ص ۶۰). در شرایط کنونی نیز عده‌ای با عنوان لیدر کودکان کار در سطح کلان‌شهرها حضور دارند. این افراد رسالت خود را جذب و جمع‌آوری کودکانی می‌دانند که شرایط خاصی دارند و از آن‌ها در اشکال مختلف به‌منظور اهداف اقتصادی بهره‌کشی می‌کنند.

بهره‌کشی از کودکان، به‌صورت کار اجباری، بردگی، انواع کارهای سخت و زیان‌آور، کارهای خانگی بدون مزد، مشاغل کاذب و قاچاق کودکان صورت می‌گیرد. طبق حقوق کشور ما نیز پایان کودکی در قانون مجازات و در قانون مدنی، رسیدن به سن بلوغ و رشد است (اسدی، ۱۳۸۶، ص ۴۷). در شرایط حاضر و در مقیاس بین‌المللی، نابرابری سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی کشورهای، بی‌ثباتی سیاسی، جنگ، مهاجرت‌های اجباری و آوارگی، بی‌سواد و فقر مزمن، موجبات استمرار بهره‌کشی اقتصادی از کودکان را فراهم ساخته است.

1. Exploitation of children

این عوامل در شرایط کنونی در برخی از مناطق جهان که در آن‌ها فقر، بلایای طبیعی، بی‌ثباتی سیاسی و مناقشات مسلحانه در هم تنیده‌اند، بیش از همه کودکان بی‌پناه را در معرض بهره‌کشی قرار داده است (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۸). براساس ماده ۳۲ «پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک»، همه کشورهای عضو، حمایت از کودک را در برابر هرگونه بهره‌کشی اقتصادی و اعمالی که ممکن است برای وی زیان‌بار باشد و به تحصیل او خللی وارد کند و سلامتی یا به رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی یا اجتماعی او آسیب رساند، به رسمیت می‌شناسد.

البته باید دقت داشت در تمام موارد یاد شده بهره‌کشی یا استثمار کودکان و نوجوانان منع شده است؛ به عبارت دیگر، امروزه کار کودک به صورت کلی ممنوع اعلام نشده است، بلکه این توضیحات و قوانین حمایتی حاکی از آن است که باید میان کار کودکان تفکیک قائل شد. بدین معنا که باید میان کار منفی که جنبه بهره‌کشی و استثمار دارد و کاری که بر رشد فکری و اخلاقی کودک تأثیر مثبت می‌گذارد، تمایز قائل شد؛ بنابراین تمامی اشتغالات کودکان و نوجوانان منع نشده، و درباره آن جرم‌انگاری و کیفرگذاری صورت نگرفته است.

ب. کار کودکان و نوجوانان

مطابق بند (الف) و (ب) ماده ۱ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، طفل شامل هر فردی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده است و نوجوان فردی است زیر ۱۸ سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است. حال مطابق با بند (ث) همین ماده، بهره‌کشی اقتصادی، به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی است که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد و همچنین کار کودک پیامدهای منفی فراوانی بر جسم وی برجای می‌گذارد که رشد وی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مشکل مواجه می‌سازد (عباسی کلیمانی، عباسیان آرانی، و شهبازی، ۱۴۰۲، ص ۱۰۲). بنابراین انجام این امور توسط کودک یا نوجوانان، بهره‌کشی اقتصادی تلقی می‌شود. قانون کار نیز با نگاه خاصی به کودکان، افراد زیر ۱۵ سال تمام را ممنوع از کار تعریف کرده است و کار در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال را با توجه به اعمال شرایط

ماده ۷۹ تا ۸۴ این قانون^۱ جایز دانسته است. گروه سنی بین ۱۵ تا ۱۸ سال از منظر این قانون، نه کودک هستند که از کار آنها جلوگیری شود و نه همانند دیگر جوانان حق انجام هر نوع کار را خواهند داشت. آنها هنوز از رشد فکری و جسمی کامل برخوردار نیستند؛ از این رو، کار این افراد باید تحت شرایطی پذیرفته شود. به این ترتیب، نوعی از تعارض میان مواد قانونی در خصوص تعیین سن اطفال و نوجوانان مشاهده می شود؛ لکن پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق کودک به این تعارضات خاتمه داد و معیار سن قانونی ۱۸ سال برای رشد در نظر گرفته شد. همچنین صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (یونیسف^۲)، کودک کمتر از ۱۸ سال را که بنابر مقتضیات جامعه مجبور به کار باشد، کودک کار تلقی می کند و با پیماننامه حقوق کودک و قانون ایران در خصوص سن کودکان و نوجوانان هم نظر است.

مفهوم کودک کار^۳، از جمله مفاهیمی است که به رغم شباهت با مفهومی همانند کودکان خیابانی^۴، از نظر گستردگی و دایره شمول و مقررات قانونی متفاوت و عام تر است. البته در گفتمان عامه و گاه در ادبیات علمی نیز میان این دو مفهوم تفکیکی صورت نمی گیرد.

۱. ماده ۷۹ تا ۸۴ قانون کار به شرح ذیل مقرر می دارد: «ماده ۷۹: به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است. ماده ۸۰: کارگری که سنش بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد، کارگر نوجوان نامیده می شود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایش های پزشکی قرار گیرد. ماده ۸۱: آزمایش های پزشکی کارگر نوجوان، حداقل باید سالی یک بار تجدید شود و مدارک مربوط در پرونده استخدامی وی ضبط گردد. پزشک درباره تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهار نظر می کند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند، کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد. ماده ۸۲: ساعات کار روزانه کارگر نوجوان، نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران است. ترتیب استفاده از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد. ماده ۸۳: ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز وبدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است. ماده ۸۴: در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می شود، برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوان زیان آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.»

2. UNICEF
3. Child labor
4. Street child

کودکان کار به کسانی گفته می‌شود که به علت اوضاع نامناسب خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند و ساعاتی از روز را به کار کردن در کارگاه، کارخانه، ساختمان، خیابان یا منزل می‌گذرانند که این امر در اغلب موارد آن‌ها را از رفتن به مدرسه یا تجربیات دوران کودکی بازمی‌دارد و سلامت جسمی و روحی آنان را با مخاطرات جدی روبه‌رو می‌سازد (صالحی، ۱۴۰۲ش، ص ۱۹). البته همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، این مفهوم پیچیده‌تر از مفهوم کودک خیابانی است. مفهوم کودکان خیابانی به کودکانی اطلاق می‌شود که در خیابان‌ها مشغول به فعالیت هستند. به عبارت بهتر، کودکان خیابانی گروهی از کودکان کار هستند؛ لکن کودکان کار محدود به همین گروه نمی‌شوند. در واقع مفهوم کودکان کار محدود به کسانی نیست که در معرض دید و در خیابان هستند؛ بلکه عده‌ای از کودکان بدون آنکه دیده شوند، به انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا مشغول هستند؛ همانند کار در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها. این گروه نیز تحت عنوان کودکان کار شناخته می‌شوند.

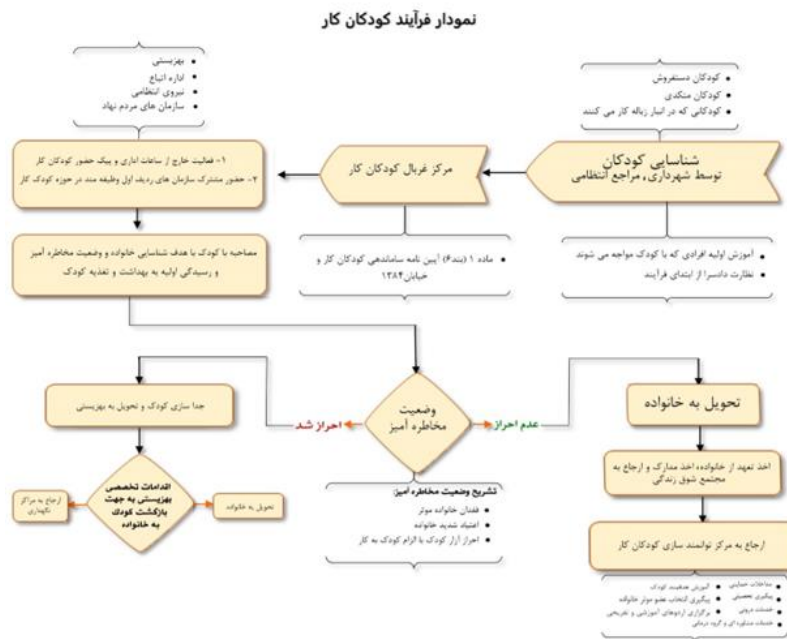
مفهوم کار کودک^۱ ممکن است تفاسیر متعددی داشته باشد که هر یک در عمل پیامدهای متفاوتی را به دنبال دارد. تعیین حدود بین آنچه کار کودک است و آنچه نیست، پراکنده است و هر کشوری با مقررات و چهارچوب‌های نظارتی خود، و هر سازمان و هر بازیگر اجتماعی‌ای می‌تواند تفسیر خاصی درباره آن داشته باشد. دانش‌گامیان معیارهای طبقه‌بندی متعددی ایجاد کرده‌اند؛ اما به صورت کلی تعابیر متناقض زیادی از کار کودک وجود دارد (Zsögön, 2021, p.97). کار کودک در ابتدا به معنای استخدام کودکان در کارخانه‌ها به کار می‌رفت؛ اما امروزه این واژه به صورت کلی به کارهایی اطلاق می‌شود که کودکان به انجام آن‌ها مجبور می‌شوند و به سبب آن، از تحصیل بازمی‌مانند یا سلامت جسمی و روحی‌شان به خطر می‌افتد (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵). درگیر کردن کودکان در فعالیت‌های اقتصادی مانع از تحصیل، آموزش و برخورداری آنان از امکانات اولیه رشد فردی و اجتماعی

می‌شود که با آسیب‌های زیادی همراه است (شکوری، ۱۳۹۳، ص ۴۵). کار کودک دارای ویژگی‌هایی است که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود: مزد ناچیز و ناعادلانه و بسیار کمتر از حقوق متعارف فرد بزرگ‌سال که ویژگی بارز کار کودکان و به کار گماشتن آنان است (شیشه‌گران، و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۴۸۰). فرمان‌برداری و انعطاف‌پذیری بیشتر کودکان در مقایسه با کارگران بزرگ سال، پرداخت دستمزد کودکان به دیگر اعضای خانواده و نه به خود کودک در برخی از موارد، فعالیت در مراکزی که مجوز قانونی ندارند و در نتیجه نبود نظارت بر فعالیت آن‌ها، از دیگر ویژگی‌های کار کودکان است.

۱. فرایند رسیدگی به بهره‌کشی اقتصادی از کار کودکان در «مجتمع شوق زندگی»

فرایند رسیدگی به پرونده‌های مطرح شده با موضوع بهره‌کشی اقتصادی از کار کودکان در داد سرای ناحیه پنج مشهد (مجتمع شوق زندگی)، با کمک نهادهای مختلفی آغاز می‌شود که به‌طور خلاصه این فرایند به شرح ذیل است:

شهرداری و مراجع انتظامی، کودکانی را که اشتغال کاذب دارند، شناسایی، و به مرکز غربال کودکان کار منتقل می‌کنند. سپس طی مصاحبه‌ای با کودک، وضعیت مخاطره‌آمیز وی را بررسی می‌کنند و شناسایی خانواده وی را در اولویت قرار می‌دهند. در این مرحله، مراکز غربال، امکانات اولیه اعم از بهداشت و تغذیه و پوشاک کودک و نوجوان را فراهم می‌کنند. مشخص شدن وضعیت مخاطره‌آمیز کودک یا نوجوان، رسیدگی به ادامه پرونده را متفاوت می‌سازد. در صورت عدم احراز وضعیت مخاطره‌آمیز کودک، وی به خانواده تحویل داده می‌شود؛ ولی هم از خانواده او تعهد گرفته می‌شود، هم خانواده او را برای نظارت و آموزش مهارت‌های فرزندپروری و مسائل تربیتی به «مجتمع شوق زندگی» معرفی می‌کنند. در وضعیت مخاطره‌آمیز، ابتدا وضعیت مخاطره تشریح می‌شود. این وضعیت اعم است از: فقدان خانواده مؤثر، اعتیاد شدید خانواده، الزام کودک به کار، آزار جسمی و جنسی و ابتلای کودک به اعتیاد.



نمودار ۲: فرآیند کار کودکان

پس از احراز وضعیت یاد شده، کودک جدا، و به مراکز بهزیستی تحویل داده می‌شود. در این قسمت شرایط بهره‌کشی اقتصادی از کودکان کندوکاو می‌شود تا روشن شود چه کسانی از این کودکان بهره‌کشی اقتصادی می‌کنند. در صورت احراز بهره‌کشی اقتصادی توسط والدین کودکان، برای آنان پرونده کیفری تشکیل، و اعلان جرم می‌شود و تا پایان رسیدگی، کودک در مراکز نگهداری محافظت، و حمایت‌های مختلفی از او می‌شود که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت. البته در صورت عدم احراز بهره‌کشی توسط والدین، اقدامات تخصصی اعم از روان‌شناسی و اقتصادی برای بازگشت کودک به خانواده انجام می‌شود و لیدرهایی که از کودکان و نوجوانان بهره‌کشی اقتصادی می‌کنند، در فرآیند تعقیب قضایی قرار می‌گیرند!

۱. ماده ۱۵ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۳۹۹ مقرر می‌دارد: «هر شخصی برخلاف مقررات قانون کار مرتکب بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان موضوع ماده (۲) این قانون شود، علاوه بر مجازات‌های مذکور در قانون کار به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی نیز محکوم می‌شود.»

روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل تماتیک یا به عبارت بهتر، تحلیل مضمون، با رویکرد براون و کلارک^۱ است. به دلیل انعطاف پذیری و جامع بودن روش براون و کلارک، پژوهشگران به این رویکرد توجه کرده‌اند. این فرایند چهارچوب ساختاریافته‌ای را برای پژوهشگران فراهم می‌کند تا بتوانند پیچیدگی داده‌های خود را مرور کنند و تم‌ها یا همان مضمون‌های معنادار را استخراج کنند (Clarke & Braun, 2013, p. 120). تحلیل داده‌ها در این روش از تحلیل مضمون، با عبور از شش مرحله صورت می‌گیرد و در نهایت، مضامین به دو دسته مضامین اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. در مرحله نخست، پژوهشگر از رهگذر مطالعه عمیق و چندباره داده‌ها با عمق و غنای محتوای آن‌ها آشنا می‌شود و ایده‌های خوبی درباره کدگذاری‌ها و الگوها پیدا می‌کند. در مرحله دوم، پس از شناخت داده‌ها نوبت به کدگذاری آن‌ها می‌رسد. در این گام جهت تقسیم داده‌ها به قسمت‌های مختلف، از کدگذاری استفاده می‌شود. در مرحله سوم، کدها تجزیه و تحلیل، و در قالب مضامین متفاوت دسته‌بندی می‌شوند. پس از شناخت مضامین و دسته‌بندی کدها نوبت به مرحله پایش مضامین می‌رسد. در مرحله چهارم برخی از مضامین به واسطه دلایلی مانند عدم وجود داده‌های کافی یا داده‌های متنوع از ردیف مضامین حذف می‌شوند و در نهایت پژوهشگر به شبکه‌ای از مضامین رضایت‌بخش دست پیدا می‌کند. در گام پنجم، شبکه مضامین تجزیه و تحلیل می‌شود. تحلیل این شبکه‌ها کمک می‌کند تا پژوهشگر به درکی عمیق از داده‌ها دست یابد. در گام ششم و آخر، به منظور تحلیل مضامین مفاهیم و الگوهای موجود در متن از استنتاج‌های همه شبکه‌ها به همراه نظریه‌های مرتبط با آن‌ها استفاده می‌شود (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی، و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰).

براین اساس در این پژوهش، ابتدا پرونده‌های مرتبط با بهره‌کشی اقتصادی از کار کودکان و نوجوانان از دادسرای مجتمع ناحیه پنج مشهد جداسازی شد؛ سپس با کسب اجازه از ریاست

1. Braun & Clarke

محترم مجتمِع و با حفظ حریم شخصی افراد دخیل در پرونده، اطلاعات و فرایند رسیدگی در هر مورد، از پرونده‌های مرتبط استخراج شد. پس از بررسی کامل فرایند رسیدگی از میان مطالعه پرونده، اقدامات مشترک و اختصاصی درخصوص هریک از موارد کدگذاری و نتیجه حاصل در قالب چند سرمؤلفه تقسیم‌بندی شد. بدین ترتیب چهار سرمؤلفه غیرکیفری در هر پرونده، شامل مداخله روان‌شناسانه، اقتصادی، پزشکی و فرهنگی شناسایی شد. در گام بعدی مضامین هریک از کدها به تفکیک در هر پرونده بررسی شد.

۱. تحلیل و بررسی

برای به دست آوردن داده‌های این پژوهش با همکاری مقام قضایی در «مجتمع شوق زندگی» مشهد، از میان پرونده‌های مطروح در داد سرای ناحیه پنج، ده پرونده به‌عنوان اسناد قضایی بررسی شده، و دو مصاحبه عمیق با مددکار بخش کودکان کار مشهد به عمل آمده است. از آنجایی که حمایت‌های موجود در هر پرونده متفاوت است و ممکن است در یک پرونده، مقامات قضایی به چند نوع مختلف از این کودکان حمایت کنند و در پرونده‌ای دیگر تنها یکی از این حمایت‌های غیرکیفری وجود داشته باشد؛ از همین رو در قسمت یافته‌های استنباطی هر حمایتی که ذکر می‌شود، اطلاعات پرونده‌های آن نیز به‌طور خلاصه تشریح می‌شود.

۱-۱. حمایت روان‌شناسانه

یکی از حمایت‌هایی که در فرایند رسیدگی بهره‌کشی اقتصادی و در «مجتمع شوق زندگی» مدنظر قرار می‌گیرد، حمایت‌های روان‌شناسانه است. مفهوم این حمایت شباهت زیادی با حمایت پزشکی دارد؛ اما این شکل از حمایت یک گام عقب‌تر از حمایت پزشکی قرار می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، حمایت پزشکی در برابر آسیب‌های روانی در حد بیماری و اختلال انجام می‌پذیرد؛ اما حمایت عاطفی درخصوص دردورنج‌های عاطفی بزه‌دیده، که در حد اختلال نیست، صورت می‌گیرد. وجه تمایز میان حمایت روان‌شناسی با حمایت پزشکی روانی، این است که آسیب‌های مستلزم حمایت عاطفی نوعی دردورنج مانند ترس، خشم، کینه و مانند آن است که به حد اختلال روانی نمی‌رسد، درحالی‌که حمایت پزشکی درزمینه

اختلالات روانی صورت می‌پذیرد (رایجیان ا صلی، ۱۳۹۰، ص ۸۹-۹۰). به بیان دیگر، حمایت عاطفی آن دسته از دردورنجهایی را شامل می‌شود که آسیبی به سلامت روانی بزه‌دیده وارد نمی‌کند و تنها عواطف و احساسات وی را خدشه‌دار می‌کند. تفاوت دیگر میان حمایت عاطفی و پزشکی در این نکته نهفته است که حمایت پزشکی در آسیب‌های روانی توسط روان‌پزشک به‌عنوان یک پزشک صورت می‌گیرد؛ اما حمایت عاطفی توسط روان‌شناس انجام می‌شود (خدادادی، و افتخار، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳)؛ از همین رو طی بررسی پرونده‌های مرتبط با موضوع تحقیق، حمایت‌های روان‌شناسی از حمایت پزشکی تفکیک شده است. در این قسمت به بررسی مثال‌های این حمایت خواهیم پرداخت.

یکی از مهم‌ترین اقدامات حمایتی که در همه پرونده‌ها به اجماع انجام می‌شود، تشکیل پرونده شخصیتی و بالینی برای کودکان کار و ارجاع به مشاور و روان‌شناس متخصص است. برای نمونه در پرونده اول^۱، پس از انتقال کودک به مراکز نگهداری، روان‌شناسان وی را ارزیابی بالینی و روان‌شناختی می‌کنند و به‌منظور شناخت بیشتر کودک، از او تست هوش (در این پرونده تست هوش آدمک گودیناف) یا تست ریون تهیه می‌کنند و متوسط هوش کودک را تعیین می‌کنند.

در وهله بعد مددکار متخصص با مصاحبه فردی تاریخچه مشکلات کودک را بررسی می‌کند. پس از شناسایی مشکلات کودک مشاوره‌های روان‌شناسی تخصصی، مطابق با مشکلات روانی کودک آغاز می‌شود. هم‌زمان کارگاه‌های مهارتی متناسب با مشکلات روانی

۱. در این پرونده، کودک ۱۲ ساله و محصل پایه سوم ابتدایی است و اشتغال کاذب وی، شیشه‌پاک‌کنی در خیابان مشهد است. مادر او دیابت شدید دارد و پدرش نیز به دلیل تضاد از کار افتاده است. خانواده ساکن روستای اطراف شهر مشهد هستند. کودک به اجبار پدر پس از ساعت مدرسه، به این کار مشغول می‌شود. پس از شناسایی کودک توسط نیروهای شهرداری، پدر از محل متواری می‌شود. کودک را هم نیروهای شهرداری به مراکز نگهداری کودکان کار منتقل می‌کنند. مادر کودک نیز بیان می‌دارد سال‌هاست از پدر کودک اطلاعی ندارد. کودک اظهار می‌دارد والدین وی از اشتغال کاذب وی اطلاع دارند و خود آن‌ها کودک را مجبور به کار کرده‌اند؛ از همین رو برای والدین کودک به دلیل عدم همکاری لازم با مقام قضایی، مطابق با ماده ۱۵ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، اعلان جرم شد.

کودکان برگزار می‌شود. برای مثال کارگاه مهارت «نه گفتن» و کارگاه‌های بالا بردن عزت نفس. پس از طی این مراحل و ارزیابی شرایط روانی کودک، در صورتی که دیگر شرایط، اعم از شرایط خانوادگی و فرهنگی و اقتصادی، در خانواده کودک فراهم باشد، کودک از مراکز نگهداری ترخیص می‌شود و به خانواده بازگردانده می‌شود. مسئله بسیار مهمی که در رویکردهای مداخله‌محور باید بدان توجه کرد، تداوم حمایت‌ها و ایجاد امنیت پایدار برای بزه‌دیده است. در بسیاری از موقعیت‌ها، اگر در مراحل دادرسی کنترل و نظارت کافی بر نیازمندی‌ها و شرایط بزه‌دیده اعمال نشود، امکان وقوع اقسام تهدیدها درباره او وجود دارد (آشوری، و خدادی، ۱۳۹۰، ص ۲۰)؛ از این رو حتی در مرحله پس از ترخیص نیز اقدامات حمایتی قطع نمی‌شود و تا حداقل شش ماه کودک تحت نظر مشاور و روان‌شناس متخصص باقی می‌ماند.

یکی دیگر از اقدامات حمایتی، انجام اقدامات تخصصی روان‌شناختی و روان‌درمانی است. این حمایت در مرحله‌ای صورت می‌گیرد که پس از ارزیابی و انجام تست‌های روان‌شناسی، کودک دچار اختلال روانی باشد. برای مثال در پرونده دوم^۱ نوجوان دچار اختلال نافرمانی مقابله‌ای^۲ است و به دلیل کمبود شدید عاطفی و مهارت نداشتن مادر در برقراری ارتباط صحیح با وی، نیاز به درمان روان‌شناختی دارد. در این نوع پرونده‌ها که کودک یا نوجوان دارای اختلالات روانی است، تیم تخصصی روان‌شناسی برای بررسی دقیق و یافتن راه‌حل مشکل تشکیل می‌شود. همچنین در صورت نیاز به بستری شدن، در مراکز درمانی تخصصی،

۱. نوجوان این پرونده، ۱۴ ساله است که در پایه ششم ابتدایی ترک تحصیل کرده و به مشاغل خیابانی از جمله تکدی‌گری و شیشه پاک‌کنی اشتغال دارد، خانواده وی ساکن کاشمر هستند. نوجوان به دلیل الگوبرداری منفی از مادر خود دارای سابقه مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر صنعتی و فرار از منزل است. او دوستان نابابی دارد و خود هنجارشکن و دارای اختلال روانی ODD است. متوسط هوش این نوجوان ۹۳ است. به این معنا که وی از ۷۲ درصد از همسالان خود باهوش‌تر است. والدین کودک از یکدیگر جدا شده‌اند و هر دو آن‌ها سابقه اعتیاد دارند. پدر ازدواج مجدد داشته، و در معدن شاغل است. به دلیل شرایط شغلی پدر و حضور کم‌رنگ در خانه، ارتباط عاطفی وی با نوجوان ضعیف است. مادر نیز مهارت‌های لازم را جهت ارتباط صحیح و کنترل رفتار نوجوان ندارد.

2. (ODD) Oppositional defiant disorder

کودک یا نوجوان برای درمان به مراکز درمانی منتقل می‌شوند. در این پرونده نوجوان برای طی مراحل درمان تحت مراقبت‌های روان‌پزشکان و روان‌شناسان در بیمارستان ابن سینای مشهد بستری شد. همچنین جهت اجرای بند (الف) ماده ۴۲ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»^۱، پس از انجام اقدامات درمانی در بیمارستان ابن‌سینا، نوجوان در کارگاه‌های آموزش مهارت «مقابله با شیوه‌های وسوسه محیطی» ثبت‌نام شد. علاوه بر این به دلیل عدم مهارت والدین وی در برقراری ارتباط عاطفی با فرزند خود، جلسات مشاوره‌ای نیز برای والدین نوجوان برگزار شد. در نهایت پس از فراهم شدن شرایط مساعد برای ترخیص نوجوان از مراکز نگهداری، وی به مدت سه ماه نیز تحت نظارت مراکز مددکاری و روان‌شناسی قرار گرفت تا اوضاع وی تحت کنترل قرار گیرد.

در پرونده سوم^۲، نوجوان سندروم محرومیت از مواد و اختلال بیش‌فعالی و کم‌توجهی^۳ دارد. پس از مشاهده شرایط نوجوان عوامل اورژانس اجتماعی مطابق با اختیارات ماده ۳۳۳ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»^۴ در محل حاضر شدند. نوجوان فوراً به مراکز نگهداری

۱. «معرفی طفل و نوجوان یا خانواده آن‌ها به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در زمینه اقدامات حمایتی». ۲. نوجوان ۱۵ ساله، مشغول تکدی‌گری شده، و در مقطع ابتدایی ترک تحصیل کرده است. او سابقه بستری در مراکز نگهداری روانی و ترک اعتیاد دارد. والدین از یکدیگر جدا شده‌اند. نوجوان به همراه خواهر و برادرش نزد مادر زندگی می‌کنند. مادر ازدواج مجدد می‌کند. نوجوان از خانه فرار می‌کند و مشغول تکدی‌گری می‌شود. در بازه زمانی فرار نوجوان از خانه، مادر مفقودی وی را اعلام می‌کند. نوجوان مشغول تکدی‌گری در خیابان‌های مشهد می‌شود و در این حین، به وی تجاوز می‌شود. کسبه خیابانی که اعلام مفقودی این نوجوان را مشاهده کرده‌اند، به مادر وی خبر می‌دهند که برای بردن نوجوان در محل حاضر شود. پس از حضور مادر و ارجاع نوجوان به مراکز درمان، وی اظهار کرد که در زمان تجاوز، مواد مصرف کرده بود.

3. (ADHD) Attention deficit hyperactivity Disorder

۴. ماده ۳۳۳: «هرگاه خطر شدید و قریب‌الوقوعی طفل یا نوجوان را تهدید کند یا به سبب وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده (۳) این قانون وقوع جرم، محتمل باشد، مددکاران اجتماعی به‌زیستی با واحد حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری مکلف‌اند فوری و در حدود وظایف و اختیارات قانونی، تدابیر و اقدامات لازم را در صورت امکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیاء و یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم انجام داده و در موارد ضروری وی را از محیط خطر دور کرده و با تشخیص و زیر نظر مددکار اجتماعی به مراکز به‌زیستی یا سایر مراکز مربوط منتقل کنند و گزارش موضوع و اقدامات خود را حداکثر ظرف مدت دوازده ساعت به اطلاع دادستان برسانند.»

اختصاصی منتقل، و به پزشکی قانونی معرفی شد. بلافاصله پس از انجام اقدامات اولیه مصاحبه تخصصی روان‌پزشکان با نوجوان آغاز شد. طی مصاحبه‌های انجام‌شده مشخص شد که نوجوان برای تأمین هزینه اعتیاد خود به تکدی‌گری مشغول شده است و خلأ عاطفی شدیدی دارد. درخصوص این پرونده نیز اقدامات روان‌شناسی مشابه با موارد دیگر انجام شد؛ لکن در این مورد نوجوان پس از طی دوره نقاهت و ترخیص از بهزیستی به مرکز سراج معرفی شد تا اوضاع و شرایط وی تحت نظارت باشد و سلامت وی تثبیت شود. در نهایت اقدامات روان‌شناسانه‌ای که در دادسرای ناحیه پنج مشهد درخصوص کودکان کار به عمل می‌آید، از محدود اقدامات مؤثر در ایران درباره این کودکان است که شرایط بازگشت به جامعه و برخورداری از آینده‌ای روشن را برای این کودکان به ارمغان می‌آورد.

۱-۲. حمایت اقتصادی

گونه‌ای دیگر از مداخلات دادسرای ناحیه پنج مشهد در فرایند حمایت از کودک و نوجوان کار، مداخلات اقتصادی است. حمایت اقتصادی ترجمان جبران خسارت مادی از رهگذر بازگرداندن مال، پرداخت پول یا هزینه‌هایی است که بزه‌دیده در اثر جرم متحمل شده است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۸۶). جبران خسارت و پرداخت غرامت یکی از مهم‌ترین جهات تضمین حقوق و منافع مشروع بزه‌دیدگان است که علاوه بر احیای حقوق بزه‌دیدگان، موجب بازسازی تعادل روابط اجتماعی نیز می‌شود (Lapkin, Maryni, Yevtieieva, Stolitnii, & Borovyk, 2019, p. 2). بر اساس بند هشتم اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درخصوص اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت (۱۹۸۵) «مجرمان یا اشخاص ثالثی که مسئولیت رفتارهایشان را بر عهده دارند، در صورت اقتضا، نسبت به بزه‌دیدگان، خانواده آن‌ها یا افراد تحت تکفل آن‌ها موظف به جبران خسارت هستند. جبران خسارت مذکور شامل استرداد اموال، پرداخت خسارت یا ضرر متحمل شده، هزینه‌های ناشی از بزه‌دیدگی، ارائه خدمات و اعاده حقوق است.» بند دوازدهم این اعلامیه نیز اشعار می‌دارد که وقتی بزه‌کار توان جبران خسارات واردشده بر

بزه‌دیده را نداشتته باشد، دولت‌ها موظف‌اند جهت پرداخت غرامت به بزه‌دیده نهایت تلاش خویش را به کار بندند (Goodey, 2005, p. 141-142).

درخصوص کودکان کار که خانواده‌ها یا گروهی از افراد سودجو از آنان بهره‌کشی اقتصادی می‌کنند، حمایت‌های اقتصادی در داد سرای ناحیه پنج مشهد جلوه خاصی به خود می‌گیرد. به عبارت دیگر، در یک نوع تقسیم‌بندی، دو گروه هستند که از کودکان کار بهره‌کشی می‌کنند: ۱. خانواده آن‌ها، ۲. لیدرها.

همان‌طور که پیش‌ازین گفته شد، چنانچه کودکان کار به اجبار خانواده خود، مشغول به کار شوند، دادستان برای خانواده آن‌ها اعلان جرم می‌کند. نکته قابل توجه آن است که در پرونده‌های مورد مطالعه، هنگامی که خانواده، از کودک بهره‌کشی اقتصادی می‌کند، فاکتور ضعف اقتصادی در اجبار کودک به کار دخیل است؛ از این رو، داد سرا با وجود اینکه در قرار تأمین صادر شده برای خانواده کودک به منظور عدم بازداشت آن‌ها شروطی برقرار می‌کند، حمایت اقتصادی را نیز جهت بهبود شرایط خانواده به عمل می‌آورد.

در پرونده چهارم^۱ با مشاهده وضعیت اقتصادی خانواده و با توجه به کارگر بودن پدر کودک، خانواده به منظور امداد ماهیانه به کمیته امداد معرفی شدند. در پرونده پنجم^۲ نیز پس از دستگیری لیدر کودکان کار، در صدور قرار تأمین صادر شده برای وی، شروطی تعیین شد. یکی از این شروط تأمین هزینه‌های کلاس‌های آموزشی و ورزشی کودکان است. یکی دیگر از کمک‌های اقتصادی فراهم کردن اشتغال خانگی برای مادران کودکان و نوجوانان است؛ برای مثال در پرونده اول، برای مادر کودک اشتغال خانگی فراهم شد تا شرایط تأمین هزینه‌های خانواده فراهم شود.

۱. کودک ۱۱ ساله، به شغل کاذب شیشه پاک‌کنی در خیابان‌های مشهد مشغول بوده است. والدین کودک از یکدیگر جدا شده‌اند. پدر کارگر است و آن‌ها ساکن روستای اطراف مشهد هستند.

۲. در این پرونده یکی از بزرگ‌ترین لیدرهای کودکان کار در مشهد دستگیر شده است. او اهل زاهدان است و حدود ۱۵ کودک زیر نظر وی مشغول به گل‌فروشی بودند. پس از تلاش‌های فراوان، مقام قضایی موفق به دستگیری وی شد.

علاوه بر آنچه ذکر شد، ارگان‌های خاصی نیز اقدامات اقتصادی دیگری در خصوص کودکان کار انجام می‌دهند. اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی یکی از نهادهایی است که در این زمینه حمایت لازم را به عمل می‌آورد؛ مثلاً کاریابی برای سرپرست کودک مهم‌ترین اقدامی است که این ارگان عهده‌دار آن می‌شود. همچنین یکی دیگر از اقدامات این نهاد، بیمه قانون کار برای کودکان و نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال، مستند به بند (ث) ماده ۶ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» در خصوص کودکان آسیب‌دیده است. مطابق با این ماده، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است پوشش بیمه‌ای مختص کودکان کار را برای این نوجوانان فراهم کند و علاوه بر این بر محیط کار این افراد نظارت مستمر داشته باشد.

یکی دیگر از بازوان حمایتی در «مجتمع شوق زندگی»، سمن‌های مستقر در این مجتمع هستند. سازمان‌های مردم‌نهاد عهده‌دار تأمین هزینه معیشت خانواده‌های کودکان کار می‌شوند. علاوه بر این در صورتی که خانواده به کمک‌های درمانی و روان‌شناسی نیازمند باشند، هزینه‌های خدمات را در این موارد تأمین می‌کنند. البته سمن‌ها حمایت‌های متنوعی در خصوص کودکان کار و در حیطه‌های گوناگون به عمل می‌آورند. مزیت حضور سمن‌ها به صورت کلی و به خصوص در دادسرای ناحیه پنج، به این صورت است که متناسب با موضوعات طرح شده حمایت اقتصادی خود را منعطف می‌کنند؛ بدین معنا که حمایت اقتصادی سمن‌ها محدود به انجام کار خاصی نیست و آنچه در ابعاد مختلف اقتصادی در توان دارند، برای کودکان کار انجام می‌دهند.

آستان قدس رضوی، یکی دیگر از نهادهای حمایت اقتصادی در مسئله کودکان کار است. محدوده جغرافیایی حمایت آستان قدس در این خصوص با توجه به مصاحبه‌های به عمل آمده، محدود در استان خراسان است. اقدامات اقتصادی آستان قدس، شامل تهیه لوازم زندگی، تهیه تجهیزات و در صورت نیاز هزینه کمک مسکن اعم از هزینه رهن یا اجاره مسکن است.

در نهایت آنچه به عنوان حمایت اقتصادی در این پرونده‌ها به کار گرفته می‌شود، مجموعه‌ای

از اقدامات نهادها و ارگان‌های مختلف است؛ زیرا تأمین هزینه‌های اقتصادی به‌تنهایی از عهده مقامات قضایی خارج است و همکاری سایر نهادهایی را که معرفی شد، می‌طلبد. به صورت کلی معرفی به بهزیستی و کمیته امداد، به‌منظور کمک‌های معیشتی و امداد ماهیانه، فراهم کردن اشتغال خانگی برای مادران کودکان و نوجوانان و تأمین هزینه‌های تحصیلی و کلاس‌های فوق‌العاده کودکان و نوجوانان، تأمین هزینه مسکن و سایر هزینه‌های اساسی زندگی، از جمله اقدامات حمایتی است که در این داسرا بدان توجه می‌شود تا مقدمات و حداقل‌های زندگی برای این کودکان فراهم شود؛ زیرا فاکتورهای اقتصادی از جمله فریضاتی است که کودکان مجبور می‌شوند کار کنند یا به سمت کار کردن گرایش یابند. به‌همین دلیل می‌توان گفت فراهم کردن ملزومات اقتصادی و تحت پوشش درآوردن کودک و خانواده وی می‌تواند از گرایش مجدد این کودکان به سمت کار کاذب جلوگیری کند و حداقل به دلایل اقتصادی به سمت کار متمایل نشود.

۳-۱. حمایت پزشکی

حمایت از بزهدیدگان به‌خصوص در چهارچوب حمایت‌های پزشکی امر مهمی تلقی می‌شود. تحقیقات صورت‌گرفته نشان می‌دهد که پس از ارتکاب جرم، بزهدیدگان ممکن است آسیب‌های جسمانی از جمله بی‌خوابی، بی‌حالی، سردرد، تنش، تجاوز و مانند آن را تجربه کنند (Centre for international crime prevention, 1999, p. 4). از آنجا که بهره‌کشی اقتصادی می‌تواند منجر به آسیب‌های جسمانی شود، حمایت‌های پزشکی در این حوزه ضروری است؛ از این رو قانونگذار در بند (ث) ماده ۱ و ماده ۴۰ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۳۹۹ مقرر کرده است: «مرجع قضایی در صورت لزوم می‌تواند در خصوص وضعیت جسمی، روحی و روانی کودک یا نوجوان تحقیقات لازم را به عمل آورد»؛ به این ترتیب «مجتمع شوق زندگی» جهت جبران آسیب‌های جسمی مداخلات درمانی

۱. بند (ث) ماده ۱: «... بهره‌کشی اقتصادی: به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گم‌کردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد.»

را در فرایند حمایت از کودک یا نوجوان آزار دیده در قالب حمایت پزشکی مدنظر قرار می‌دهد.

حمایت‌های پزشکی ممکن است در درمان‌های فوری و اورژانسی ضرورت یابد. پزشک این دسته از درمان‌ها را به سبب آسیب جسمانی وارد بر کودکان و نوجوانان بی‌درنگ انجام می‌دهد. نوع دیگر حمایت پزشکی درمان عادی یا درمان پزشکی عمومی است. این نوع درمان‌ها به‌ویژه در خشونت‌های خانگی و کودک‌آزاری اهمیت فراوان دارد. یکی از اقدامات درمانی که درخصوص کودکان کار به کار گرفته می‌شود، درمان اعتیاد و سم‌زدایی از کودکان و نوجوانان است؛ برای مثال در پرونده ششم، گشت ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی دختران را در حین تکدی‌گری از سطح شهر جمع‌آوری، و به مرکز بهزیستی منتقل کرد. در این هنگام، به دلیل شرایط نامناسب جسمی دو دختر، هر دو جهت اقدامات درمانی به پزشک معرفی، و سپس برای بررسی‌های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شدند. از آنجایی که نتیجه اعتیاد هر دو مثبت بود، هر دو به بخش مخصوص ترک اعتیاد بهزیستی، تحت عنوان بخش سم‌زدایی، منتقل شدند. پس از طی دوره درمان و ترک اعتیاد، مجدداً تست اعتیاد از آن‌ها گرفته شد و پس از اطمینان از تثبیت شرایط سلامت دختران با ترخیص آن‌ها از بهزیستی موافقت شد. در این پرونده، دوره درمان و تثبیت شرایط آن‌ها یک‌سال به طول انجامید و پس از آن با فراهم کردن شرایط دیگر، اعم از اقتصادی و روانی و فرهنگی، دو دختر به آغوش خانواده بازگردانده شدند.

یکی دیگر از حمایت‌های پزشکی کمک به درمان بیماری‌های احتمالی کودک یا خانواده

۱. در این پرونده، دو خواهر با سن ۱۴ و ۱۲ سال، مشغول تکدی‌گری بودند که نیروهای شهرداری آن‌ها را جمع‌آوری کردند. طی مصاحبه‌ای که مددکار با آن‌ها انجام داد، متوجه شد که دختران را فرد غریبه‌ای معتاد کرده است. به‌رغم اینکه پدر آن‌ها هم معتاد به مواد مخدر سنتی بود، دختران در محیطی بیرون از خانواده آلوده به مواد مخدر شدند و علت اصلی تکدی‌گری آن‌ها تهیه هزینه مواد مخدر بود؛ به‌همین دلیل درباره خانواده دختران اعلان جرم صورت نگرفت؛ ولی آن‌ها به دلیل قصور در نگهداری از فرزندان خود، به مدت یک سال از دیدن دختران خود و حضور آن‌ها در خانواده محروم شدند.

وی است؛ مثلاً در پرونده هفتم^۱ کودک مبتلا به بیماری قلبی است. در اینجا بلافاصله پس از اینکه کودک تحت نظارت مقام قضایی قرار گرفت، درمان و مداوا و کنترل شرایط قلب وی توسط متخصص قلب آغاز شد.

نمونه دیگر در پرونده اول که پیش از این در خصوص آن توضیحات لازم داده شد، مادر کودک مبتلا به دیابت است که سه وعده انسولین مصرف می‌کند. در این باره هم مادر کودک به منظور کنترل دیابت تحت نظارت پزشک قرار گرفت. همچنین یکی دیگر از حمایت‌های انجام شده در این حوزه، تحت پوشش بیمه قرار دادن خدمات پزشکی در خصوص این کودکان، مطابق با قسمت سوم از بند (ج) ماده ۶^۲ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» است. در پرونده یادشده اول، پس از مشاهده وضعیت خانواده، آن‌ها را تحت پوشش بیمه قرار دادند. دسته‌ای از حمایت‌های پزشکی نیز در موارد خاص در «مجمع شوق زندگی» صورت می‌پذیرد. در مواردی که کودک یا اعضای خانواده وی مبتلا به یکی از بیماری‌های صعب‌العلاج، مانند سرطان و بیماری‌های کلیوی باشند، به منظور دریافت کمک‌های فوری پزشکی، به جمعیت هلال احمر معرفی می‌شوند. این حمایت به دلیل تکلیفی است که «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» بر عهده مقامات درمانی قرار داده است. مطابق با بند (ج) ماده ۶ این قانون، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است درمان کودکان و نوجوانان کار را آغاز کند و

۱. کودک ۱۰ ساله با وضعیت نامناسب جسمانی به یکی از کلانتری‌های مشهد مراجعه می‌کند. کلانتری با مشاهده وضعیت وی فوراً با اورژانس اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند. با حضور تیم اورژانس و مصاحبه با کودک، مشخص شد که وی با اجبار پدر در خیابان مشغول به کار شده است. کودک علاوه بر ترس و اضطراب شدید، بیماری قلبی هم دارد. کودک مایل نیست نزد خانواده خود بازگردد؛ از این رو اطلاعات کافی‌ای درباره خانواده خود نداد. طی دستور قضایی کودک به بهیستی معرفی شد و همزمان اقدامات لازم برای یافتن خانواده وی نیز صورت گرفت. پس از یافتن خانواده کودک و مصاحبه با آن‌ها، این اطلاعات به دست آمد که والدین کودک از یکدیگر جدا شده‌اند و پدر مجدداً ازدواج کرده است. او راننده تاکسی است و درآمد متوسطی دارد. از آنجایی که پدر، کودک را مجبور به کار کرده بود، برای او اعلان جرم شد و از او تعهدنامه کتبی مبنی بر تربیت صحیح کودک و شرکت در دوره‌های تربیت فرزند و فراهم کردن شرایط زندگی مساعد برای کودک گرفته شد. پس از انجام شروط مقام قضایی و شرکت در دوره‌های یادشده، حکم ترخیص کودک از بهیستی صادر شد.

۲. بند (ج) ۳: «پوشش کامل بیمه سلامت برای تمام اطفال و نوجوانان ساکن ایران.»

خدمات درمانی آنان را تحت پوشش کامل بیمه سلامت قرار دهد. به موازات انجام این وظیفه که طبق قانون به مراکز درمانی محول شده است، مقامات قضایی در دادسرای ناحیه پنج جهت اجرای قسمت دوم از بند (ج) ماده ۱۶ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، نیاز به درمان را به این مراکز اعلام می‌کنند تا در اسرع وقت فرایند درمان کودکان و نوجوانان کار آغاز شود.

علاوه بر این‌ها، در فرایند درمان کودکان و نوجوانان کار، سایبان‌های سلامت در «مجموع شوق زندگی» مستقر هستند. این سایبان‌ها افزون بر خدمات مشاوره سلامت، از کودکانی که از مراکز نگهداری ترخیص شده‌اند، حمایت پزشکی می‌کند؛ چراکه اطفال و نوجوانانی که از این مراکز ترخیص شده‌اند تا مدتی پس از ترخیص نیز تحت نظارت دادسرای ناحیه پنج قرار دارند. یکی از ابعاد نظارتی دادسرا پس از ترخیص، بررسی وضعیت سلامت جسمانی اطفال است که سایبان‌های سلامت این نظارت را انجام می‌دهند.

۴-۱. حمایت فرهنگی

یکی دیگر از حمایت‌هایی که در تقسیم‌بندی این پژوهش بدان توجه شده است، حمایت‌های فرهنگی و آموزشی و اجتماعی از کودکان کار است. کودکان، سرمایه‌های جامعه هستند و محافظت از آن‌ها به معنی حمایت از نیروی انسانی جامعه تلقی می‌شود. یکی از ابتکارات «مجموع شوق زندگی» در برخورد با کودکان کار، انجام اقداماتی است که شخصیت کودکان را پرورش می‌دهد و تلاش می‌کند تا از کودکانی که از آن‌ها بهره‌کشی اقتصادی شده، و آینده نامعلومی در انتظارشان است، انسان‌های مفیدی برای جامعه ساخته شود.

یکی از مهم‌ترین اقدامات دادسرای ناحیه پنج در برخورد با اطفال و نوجوانان موضوع این پژوهش، الزام به تحصیل یا در صورت ترک تحصیل بازگشت به وضعیت تحصیلی و ادامه آن است. مطابق با بند (چ) ماده ۶ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، وزارت آموزش و پرورش مکلف است عدم ثبت نام اطفال و نوجوانان یا مشکوک به ترک تحصیل آنان را تا

۱. بند (ج) ۲: «پذیرش و درمان فوری اطفال و نوجوانان آسیب‌دیده در تمام مراکز بهداشتی درمانی همراه با ارسال گزارش موارد مشکوک به آزار، به مراجع قضایی و بهزیستی.»

پایان دوره متوسطه به سازمان بهزیستی کشور یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه حسب مورد، جهت انجام اقدامات لازم اعلام کند. همچنین موظف است اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را شناسایی، و به نهادهای حمایتی و قضایی جهت انجام اقدامات حمایتی لازم معرفی کند؛ وظیفه نهاد قضایی و آموزش و پرورش، توأمان برای انجام اقدامات لازم جهت ثبت نام و پوشش تحصیلی کامل اطفال و نوجوانان موضوع این قانون تا پایان دوره متوسطه است. سرنوشت بسیاری از کودکان با دور شدن از فضای آموزشی، با مخاطرات جدی روبه‌رو می‌شود؛ از این‌رو حمایت از ادامه تحصیل این افراد، از بزه‌دیدگی و چه‌بسا بزهکاری بالقوه اطفال و نوجوانان کار جلوگیری می‌کند.

اقدامات فرهنگی دیگر در قالب شرکت در دوره‌های مختلف مهارت ارتباط اجتماعی و آشنایی با آسیب‌های اجتماع یا ثبت نام کودکان و نوجوانان در کلاس‌های موردعلاقه آن‌ها متناسب با تست شخصیت‌شناسی که در قسمت حمایت روان‌شناسانه از آن صحبت شد یا آموزش حرفه موردعلاقه کودکان انجام می‌شود. به عبارت بهتر در تمام پرونده‌های طرح‌شده در این زمینه شاهد مداخلات فرهنگی «مجمع شوق زندگی» هستیم؛ لکن شکل این حمایت‌ها متناسب با وضعیت و علایق و شرایط کودکان و نوجوانان متفاوت است که در این قسمت به چند نمونه از آن اشاره می‌شود.

در پرونده هشتم^۱، به‌رغم غیربومی بودن کودک، دادسرای ناحیه پنج مکاتبات اداری خود را با بهزیستی محل سکونت کودک حفظ می‌کند تا شرایط وی تحت نظر باشد. حمایتی که برای این کودک در نظر گرفته شد، نخست، در خانواده و در پرتو حق تربیت فرزند است. خانواده کودک باید در کلاس‌ها و جلسات مشاوره جهت آشنایی با اصول و شیوه‌های تربیت

۱. نوجوان کار در این پرونده، ۱۴ساله و ساکن شهرستان‌های اطراف مشهد است. به‌علت جدایی والدین از یکدیگر با پدر خود زندگی می‌کند و گاهی با مادر خود نیز ارتباط دارد. در ارتباطات خود در خانواده مادری، دایمی‌اش وی را تهدید به قتل می‌کند؛ به این صورت که «دیگر سراغ مادر خود نیا وگرنه تو را می‌کشم». نوجوان از ترس این حرف از شهرستان فرار می‌کند و به مشهد می‌آید. چند ماه دنبال کار می‌گردد. نهایتاً در کارخانه ضایعاتی مشغول به کار می‌شود و مورد تعرض صاحب کار قرار می‌گیرد. سپس از محیط کار خود فرار می‌کند و برای حمایت، خود را به یکی از کلاتری‌ها معرفی می‌کند.

فرزند شرکت کنند تا بتوانند با بحران‌های نوجوانی فرزندانشان به‌درستی مواجه شوند و در زمینه برقراری ارتباط متقابل و مؤثر بین اعضای خانواده مهارت یابند. در گام دوم، کودک یا نوجوان در کلاس‌های آموزش مهارت ارتباطی و اجتماعی و شناختی شرکت می‌کند. یکی دیگر از اقدامات فرهنگی، استعدادیابی طفل به‌منظور شناسایی علایق وی و فراهم کردن رشد و شکوفایی است. در تمام ده مورد از پرونده‌های مطالعه‌شده، کودکان در یکی از کلاس‌های موردعلاقه خود ثبت‌نام، و مشغول به حرفه‌آموزی شدند؛ برای مثال، در پرونده نهم^۱ به‌رغم اینکه کودک از بهزیستی ترخیص نشد، به انجام فعالیت‌های موردعلاقه خود در همانجا مشغول شد. در این پرونده، کودک علاقه‌مند به کلاس فوتبال بود و در این کلاس نیز ثبت‌نام شد. در پرونده هفتم نیز نوجوان علاقه‌مند به آموزش پتینه‌کاری بود و پس از ترخیص از بهزیستی و تثبیت اوضاع وی، زمینه‌های شرکت در دوره‌های پتینه برای نوجوان فراهم شد. مقام قضایی علاوه بر بررسی علایق کودکان و نوجوانان، با معرفی آنان به سازمان فنی و حرفه‌ای، زمینه رشد آنان را در مهارت‌های شغلی فراهم می‌کند و باعث می‌شود آنان در آینده وارد محیط کار امن و سالم شوند. حمایت‌های فرهنگی محدود و منحصر به موارد آموزش مهارت و تحصیل نمی‌شود، بلکه سرگرمی‌های متنوعی متناسب با روحیه کودکان در این مجتمع عرضه می‌شود. برنامه‌ریزی برای اردوهای مختلف (مثل شهربازی) از جمله اقداماتی است که در قالب حمایت فرهنگی از اطفال و نوجوانان در «مجتمع شوق زندگی» انجام می‌شود.

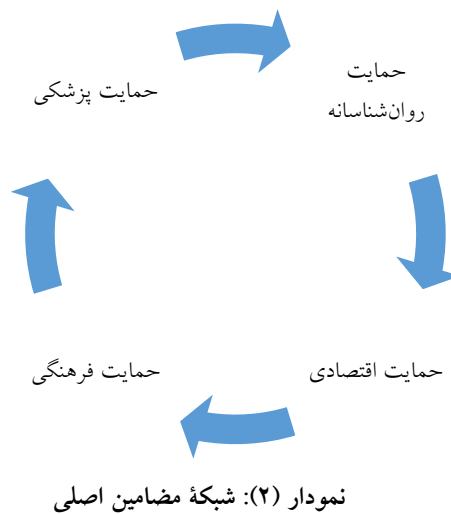
۲. مدل مفهومی

پس از بررسی پرونده‌های مختلف در قلمرو موضوع پژوهش و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون براون و کلارک، مدل مفهومی پژوهش در قالب مضامین اصلی و فرعی و شبکه مضامین اصلی ارائه می‌شود.

۱. نوجوان ۱۳ساله با فریب پسرخاله خود اقدام به مصرف مواد مخدر اعم از گل و بنگ می‌کند و به همراه وی مشغول به کار کاذب می‌شود. خانواده نوجوان مشکل مالی ندارند و والدین نیز با یکدیگر زندگی می‌کنند.

جدول شماره (۱): مضامین اصلی و فرعی شناسایی شده

مضامین اصلی	مضامین فرعی
حمایت روان‌شناسانه	تشکیل پرونده شخصیتی و بالینی برای کودکان کار
	ارجاع به مشاور و روان‌شناس متخصص
	مشاوره‌های روان‌شناسی تخصصی، مطابق با مشکلات روانی کودکان کار
	برگزاری کارگاه‌های مهارتی متناسب با مشکلات روانی کودکان
	فراهم کردن شرایط مساعد جهت نگهداری امن کودکان در مراکز نگهداری تحت نظارت مراکز مددکاری و روان‌شناسی
حمایت اقتصادی	معرفی خانواده کودکان کار به کمیته امداد و سازمان بهزیستی جهت دریافت امدادهای ماهیانه
	صدور قرارهای تأمین افتراقی برای اعضای سردرسته کودکان کار
	فراهم کردن زمینه‌های اشتغال خانگی برای مادران کودکان و نوجوانان کار
	تأسیس مراکز کارپایی برای سرپرست کودکان کار در اداره تعاون، کار و رفاه امور اجتماعی
	تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد جهت حمایت و تأمین هزینه‌های معیشت خانواده‌های کودکان کار
حمایت پزشکی	درمان فوری و اورژانسی کودکان کار
	درمان عادی یا پزشکی عمومی کودکان کار
	درمان اعتیاد و سم‌زدایی از کودکان کار
	فراهم کردن حمایت‌های پزشکی جهت کمک به درمان بیماری‌های احتمالی کودکان کار یا خانواده‌های آنها
	تحت پوشش بیمه قرار دادن خدمات پزشکی کودکان کار
حمایت فرهنگی	الزام به تحصیل یا کمک به بازگشت به تحصیل کودکان کار
	ثبت نام و شرکت کودکان و نوجوانان کار در کلاس‌های مورد علاقه آنها متناسب با سنجش شخصیت آنها
	استعدادیابی کودکان کار به منظور شناسایی علایق آنها و فراهم کردن زمینه‌های آن
	فراهم کردن شرایط آموزش مهارت‌های شغلی کودکان و نوجوانان کار توسط سازمان فنی و حرفه‌ای یا معرفی مقام قضایی



یافته‌های پژوهش

حضور نان‌آوران کوچک خانواده در عرصه اقتصادی یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر است که در کشورهای در حال توسعه نمود بیشتری پیدا می‌کند. فقر و عوامل اقتصادی از جمله عوامل اصلی بهره‌کشی اقتصادی از کودکان به‌شمار می‌آید؛ لکن نقش عوامل مؤثر دیگر در این فرایند نیز محل تأمل و بررسی است؛ از جمله: وضعیت جدایی والدین، اعتیاد هریک از آن دو، باورها و ارزش‌های خانواده. از این جهت حل مسئله کودکانی که از آن‌ها بهره‌کشی اقتصادی شده است، نیازمند جنبه‌های مختلفی از حمایت است. از آنجایی که شاید نتوان تمام پارامترهای حمایتی در یک مکان جغرافیایی را به دیگر نقاط تعمیم داد، این پژوهش در محدوده جغرافیایی استان خراسان رضوی و به‌طور خاص شهر مشهد انجام شده است؛ لکن به دلیل تجربه موفق داد سرای ناحیه پنج مشهد در کنترل جمعیت کودکان کار و تأثیر عملکرد آنان در عدم بازگشت کودکان کار به فرایند بهره‌کشی اقتصادی، از این تجربه می‌توان برای دیگر نقاط ایران نیز استفاده کرد.

پس از بررسی داده‌هایی که مقامات قضایی در «مجتمع شوق زندگی» در اختیار نگارندگان این پژوهش قرار دادند، این نتیجه مهم به دست آمد که اقدامات این مرجع قضایی در کنترل

جمعیت کودکان کار در مشهد مفید بوده است و تعداد کودکان کار در مشهد مطابق با داده‌های دریافتی، کاهش پیدا کرده است. اقدامات مداخله‌محور در دادرسی ناحیه پنج مشهد علاوه بر اینکه جنبه قضایی و به‌طور خاص جنبه کیفری این مسئله را دربرمی‌گیرد؛ در چهار محور روان‌شناسانه، اقتصادی، پزشکی و فرهنگی نیز فعال است و باعث می‌شود حمایت‌های دیگر نهادها و سازمان‌ها نیز از اطفال و نوجوانان کار آغاز شود. به عبارت بهتر با آغاز رسیدگی به پرونده‌های مشابه در دادسرا، همکاری مقام قضایی با دیگر نهادهای کمک‌کننده نیز شروع می‌شود. همچنین مرجع قضایی جنبه‌های نیازمند به کمک را نیز بررسی می‌کند و سپس به ارگان‌های مربوط ارجاع می‌دهد؛ برای مثال در صورتی که خانواده کودکان کار نیازمند حمایت پزشکی یا اقتصادی باشند، ابتدا مقام قضایی این وضعیت را تحقیق و بررسی می‌کند و در صورت وجود مشکل مربوط، اقدامات لازم برای معرفی خانواده به نهاد اقتصادی یا پزشکی صورت می‌پذیرد. در نهایت با مطالعه عمیق پرونده‌هایی با موضوع مشابه، این نتیجه مهم حاصل شد که در هر یک از جنبه‌های حمایتی چه اقداماتی، به‌طور کلی یا به‌طور خاص، انجام می‌شود.

در این پژوهش تلاش شد فرایند رسیدگی به پرونده‌های کودکان کار با رویکردی غیرکیفری بررسی شود؛ چراکه مداخلات کیفری صرفاً راه‌حل مشکلات و معضلات جامعه، از جمله کنترل پدیده کودکان کار تلقی نمی‌شود. به همین منظور با مراجعه به این دادسرا و بررسی پرونده‌های مطرح شده، اقدامات انجام شده در هر پرونده استخراج و در چهار دسته تقسیم‌بندی شد.

اقدامات تخصصی انجام شده در «مجموع شوق زندگی» نشان‌دهنده نمونه‌ای از تعامل مؤثر میان نهاد قضایی با دیگر ارگان‌ها است. همان‌طور که گفته شد، رسیدگی‌های کیفری در بسیاری از موارد به‌تنهایی توان مقابله با مسائل جامعه را ندارند؛ زیرا قدرت نظام عدالت کیفری یا به صورت کلی نظام قضایی، در چهارچوب اختیارات قانونی است. البته مشکلات موجود در جامعه به‌تنهایی از طریق مقام قضایی حل نمی‌شود و برای حل معضلات موجود

در جامعه، همکاری تمام ارگان‌ها ضروری است. موفقیت در حل مسئله کودکان کار در مشهد و کنترل تعداد آن‌ها حاکی از صحیح بودن این نظر است. فعالیت‌های «مجمع شوق زندگی» و ارتباط آن با دیگر نهادها (از جمله شهرداری، مراکز بهداشتی، مراکز درمانی و روان‌درمانی، کمیته امداد) همه حاکی از ارتباط صحیح مقام قضایی با نهادهای دیگر، در کنترل یک معضل اجتماعی است.

داده‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش همسو با تحقیق ژگان (۲۰۲۱) است. وی در پژوهش خود به نقش عوامل فرهنگی و اقتصادی در افزایش تعداد کودکان کار تأکید می‌کند و افزایش سطح فرهنگ عمومی و بهبود وضعیت اقتصادی را از جمله عوامل کنترل و کاهش کار کودکان به شمار می‌آورد. در پرونده‌هایی نیز که در داد سرای ناحیه پنج برر سی شد، این نتیجه مهم حاصل شد؛ چراکه در بسیاری از مواقع کودکانی که تحت نظامی از بهره‌کشی‌های اقتصادی قرار می‌گیرند، کودکان طلاق هستند یا یکی از والدین خود را از دست داده‌اند. علاوه بر این‌ها گاهی کودکان قربانی فرهنگ اشتباه یک خانواده می‌شوند. براساس برخی از فرهنگ‌ها به‌منظور «مرد شدن پسران»، آن‌ها را وارد جمع و فضای سخت کاری می‌کنند؛ از این رو پسران در محیط کار دچار آسیب‌های جسمی و روحی متعددی می‌شوند. این پژوهش نشان داد چنانچه ارگان‌های مختلف به‌صورت منسجم و در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند، کنترل بهره‌کشی اقتصادی از کودکان، دشوار، ولی ممکن است.

در آخر، نگارندگان این پژوهش دو پیشنهاد دارند: نخست آنکه، مداخلات غیرکیفری و حمایت نهادهای مختلف در کنترل بهره‌کشی‌های اقتصادی نیازمند اختصاص دادن بودجه‌ای است که جا دارد در قوانین بودجه کشور برر سی شود؛ چراکه بودجه اختصاصی این کار آن‌چنان که باید و شاید در قوانین مشاهده نمی‌شود و در بسیاری از موارد سمن‌های مذکور در پژوهش هزینه‌های آن را مرتفع می‌ساختند؛ پیشنهاد دوم، آسیب‌های وارد بر کودکان پسری است که در فرایند بهره‌کشی اقتصادی، بدان‌ها تعرض شده است. طی بررسی‌های انجام شده و مصاحبه با مددکاران اجتماعی «مجمع شوق زندگی»، این نتیجه مهم حاصل شد که در

مواجهه با این کودکان اقدامی که مؤثر و مفید باشد، صورت نمی‌گیرد. البته که خلأهای قانونی در این زمینه بسیار حائز اهمیت هستند. به نظر می‌رسد پسرانی که کارفرما یا دیگر افراد دخیل در فرایند بهره‌کشی به آن‌ها تعرض کرده‌اند، نیازمند اقدامات جدی تری در زمینه درمان و حمایت‌های قضایی هستند. از طرف دیگر مقامات قضایی متعرضان را به صورت جدی تری مورد تعقیب و پیگرد قضایی قرار می‌دهند.

منابع

- آشوری، محمد؛ و خدادادی، ابوالقاسم (۱۳۹۰). «حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری». *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۸ (۲)، ص ۳-۳۶.
- اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۶). «بررسی مفهوم کودک با رویکردی به حوزه کیفری». *فصلنامه فقه و حقوق خانواده*، ۱۴ (۴۵ و ۴۶)، ص ۳۴-۵۸.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۳). اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران. *منارج در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)*. تهران: سمت.
- خدادادی، ابوالقاسم؛ و افتخار، مریم (۱۳۹۵). «بازتوانی بزه‌دیده در پرتو بزه‌دیده‌شناسی بالینی». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۵ (۱۷)، ص ۱۲۷-۱۵۴. Doi: <https://doi.org/10.22054/jclr.2017.7122>
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*. تهران: دادگستر.
- شکوری، علی (۱۳۹۳). «بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی کودکان کار خیابانی؛ مطالعه موردی منطقه ۱۲ تهران». *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۳ (۳)، ص ۳۳-۶۰.
- شیشه‌گران، مریم؛ و حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۷). «بررسی بزه دیده شناختی کودکان کار». *قانون یار*، ۲ (۸)، ص ۴۷۷-۵۰۶.
- صالحی، مینا (۱۴۰۲). «مروری بر مطالعات کودکان کار در ایران». *فصلنامه حقوق کودک*، ۵ (۱۷)، ص ۱۵-۳۱.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، ۵ (۲)، ص ۱۵۱-۱۹۸. Doi: https://smt.isu.ac.ir/article_163.html
- عباسی کلیمانی، عاطفه؛ عباسیان آرنی، فاطمه؛ و شهبازی، محمدحسین (۱۴۰۲). «کار کودک در نظام حقوق خانواده ایران از منظر ایجابی و سلبی». *فصلنامه فقه و حقوق خانواده*، ۲۸ (۷۹)، ص ۸۳-۱۰۸. Doi: https://flj.isu.ac.ir/article_76678.html

عباسی، سجاد؛ جعفرزاده، سیامک؛ و صالحی، سیدمهدی (۱۴۰۰). «عوامل خطر و راهکارهای حمایتی از کودکان در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۳۹۹». *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۸ (۲۱)، ص ۲۷۵-۳۰۴.

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۲). «پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن». *فصلنامه فقه و حقوق خانواده*، ۳۱ (۸)، ص ۱۰۱-۱۱۸.

مرادی بیدهندی، یحیی (۱۳۹۹). *مطالعه تجربه زیسته کودکان کار نسبت به کارشان؛ مطالعه موردی شهر کاشان* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). *دانشگاه علم و فرهنگ*، تهران، ایران.

هاشمی‌نژاد، سیدابراهیم (۱۳۹۸). *بررسی فقهی بهره‌کشی اقتصادی از کودکان. اولین کنفرانس بین‌المللی دین، معنویت و کیفیت زندگی*، مشهد.

Centre for International Crime Prevention (United Nations), & United States. Office of Justice Programs. Office for Victims of Crime (1999). Handbook on Justice for Victims: On the Use and Application of the Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power. United Nations Office for Drug Control and Crime Prevention, Centre for International Crime Prevention .

Cho, S-H. ; Fang, X. ; Tayur, S. ; & Xu, Y. (2019). Combating child labor: Incentives and information disclosure in global supply chains. *Manufacturing & Service Operations Management*, 21 (3), p. 692- 711 .

Clarke, V.; & Braun, V. (2013). Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The Psychologist*, 26 (2), p. 120-123 .

Goody, jo (2005). *Victims and Victimology: research, policy and practice . Longman Criminology series* .

Ibrahim, A. ; Abdalla, S. M. ; Jafer, M. ; Abdelgadir, J.; & De Vries, N. (2019). Child labor and health: a systematic literature review of the impacts of child labor on child's health in low-and middle-income countries. *Journal of public health*, 41 (1), p. 18-26 .

Lapkin, A. ; Maryniv, V.; Yevtieieva, D. ; Stolitnii, A. ; & Borovyk, A. (2019). Compensation for damage caused by offences as the way of protection of victims' rights (on the example of Ukraine). *Journal of Legal, Ethical and Regulatory Issues*, 22 (3), p.1-10 .

Shtrows, J. , & Thomas. D. (1991). How Does Mother's Education Affect labour children?. *Journal of Human Resources*, 26 (2), p. 183-211 .

Zsögön, M. C. (2021). Discourse analysis around the issue of child labour in the Global South. *Language, Discourse & Society*, 9 (1), p. 95-105.